

ایران

این گونه گام به گام در مرداب جنگ فرسایشی با عراق فرو رفت!

سؤال: با این که تقریباً همه مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی به این حقیقت اعتراف دارند، که امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها، که خود با تازاندن دارودسته صدام به سوی تجاوز نظامی به میهن ما، جنگ تخریبی خانمان سوزی را به خلق های محروم میهن ما و کشور همسایه ما عراق تحمیل کرده اند و تاکنون شاید بیش از 200 میلیارد دلار، یعنی برابر درآمد نزدیک به ده سال نفت ایران، به دو کشور خسارت وارد آورده اند و شاید صدها هزار خانواده زحمتکش را به سوگ عزیزان خود نشانده اند، اکنون با تمام قوا می کوشند، که هر قدر ممکن است، این جنگ به درازا کشیده شود و از دو طرف باز هم نیروهای بیشتری نابود شوند، پس چرا از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی کوششی برای خنثی ساختن این نقشه جهانی امپریالیسم - یعنی تحمیل یک جنگ فرسایشی به جمهوری اسلامی ایران و به مردم عراق - به عمل نمی آید؟ نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ: قبل از این که پاسخ به این پرسش را آغاز کنم، باید نقل قولی را از یک مقاله سیاسی اطلاعات، با تیتر "جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی دو روی یک سکه اند"، بیاورم، که به شیوه خود، به این پرسش، پاسخ داده است. (ضمیمه سیاسی اطلاعات - 1361/8/18):
". . . با توجه به نکات فوق و همان طور که از جانب رهبران جمهوری اسلامی، منجمله امام جمعه تهران و فرمانده سپاه پاسداران نیز بیان شده است، ادامه جنگ به نفع دشمنان اسلام و انقلاب و به ویژه آمریکاست. با ادامه جنگ عراق روز به روز بیشتر در دامن وابستگی و نوکری آمریکا و غرب می افتد، انقلاب اسلامی ایران از مصرف تمامی منابع و امکانات خود در جهت مبارزه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی در منطقه و نیز پرداختن به داخل و ارائه یک الگوی اسلامی از نظام اجتماعی و اقتصادی محروم می گردد و آمریکا بهانه بیشتری برای حضور در منطقه و استقرار نیروهای نظامی در کشورهای مرتجع منطقه خواهد داشت و . . . این نکات بر کسی پوشیده نیست و کسی قصد کتمان آن ها را ندارد. اما بیان آن ها بدون اشاره به یک جنبه دیگر از واقعیت، مغرضانه است و عنصر حق جویی و عدالت را در خود ندارد . . .

آن چه در این جا به ویژه مورد نظر است این است که روی دیگر سکه جنگ تحمیلی، صلح تحمیلی است. صلحی که در آن حقوق پایمال شده یک ملت در نظر گرفته نمی شود و متجاوز بدون تسلیم شدن به حق و تنبیه شدن، در واقع مورد تایید قرار می گیرد . . . در چنین شرایطی، راه حل چیست؟ چگونه می توان نه در دام جنگ فرسایشی و طولانی افتاد و نه به پای میز مذاکره با متجاوز کافر و تحمیل سازش، و صلح اسارت آور، رفت؟ راه حل . . . ادامه جنگ برای در فشار قرار دادن متجاوز و وارد آوردن ضربات سنگین بر پیکر پوسیده رژیم بعثی از طریق تکیه بر نیروی لایزال توده های مردم و نصرت الله."

خوب، آیا این راه حل، یگانه راه حل و مناسب ترین راه حل است؟

عین این نظرات را ما در گفتارهای برخی از برجسته ترین مقامات جمهوری اسلامی، یعنی **حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام خامنه ای**، هم دیده ایم. به طور خلاصه، این نظریه را می شود به این شکل بیان کرد:

آمریکا می خواهد یک جنگ فرسایشی را به خلق های ایران و عراق تحمیل کند. ما این را می دانیم. وسیله تحمیل هم عبارت است از: صدام و دارورسته اش در حاکمیت عراق. ولی با وجود این ما جنگ را با شدت بیشتری ادامه می دهیم، تا این نقشه جهنمی امپریالیسم را خنثی کنیم و شرایط خود را، که حق است، به کرسی بنشانیم.

ما در این نظر یک **تناقض** می بینیم: امروز اگر جمهوری اسلامی ایران موفق شود که در عراق حاکمیتی را، که مطابق نظریات و مورد پسند حاکمیت جمهوری اسلامی باشد، روی کار آورد، در این صورت گرفتن خسارت از کشوری که خود صد میلیارد خسارت دیده، تلفات داده و حاکمیت آن در جهت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است، چه مفهومی پیدا می کند؟ **تناقض در این جاست**. اگر مسئله این است، که فقط باید خسارت بدهند و از ایران خارج شوند، این چارچوبی برای تامین صلح تعیین می کند. اگر مسئله این است، که حتما باید حاکمیت عراق عوض شود، آن وقت گرفتن خسارت از چنین کشوری حتما غیرممکن خواهد بود، چون همه می دانند که عراق خود امکان پرداخت خسارت را ندارد، تا ده سال دیگر هم چنین بهایی را نمی تواند بپردازد، مگر این که کشورهای عربی بهای این خسارت را تامین کنند. در این جاست که می بینیم در مجموع این مسئله، کلاف بغرنجی پیدا شده است.

آنچه که ما احساس می کنیم، این است که: تله ای از طرف امپریالیسم آمریکا کار گذاشته شده است. امپریالیسم آمریکا با تمام قوا کوشش می کند که همان نقشه اصلی خود را، که همه مسئولان و مقامات برجسته جمهوری اسلامی ایران هم به آن اعتراف دارند، یعنی تحمیل یک جنگ فرسایشی، عملی کند. دلایل ما برای اثبات این مدعا چیست؟

یکی این است که: ما می بینیم امپریالیسم آمریکا سیاست خود را در هفته های اخیر ناگهان در جهت تحریک بیشتر برای ادامه جنگ تغییر داده است. بازتاب این سیاست را ما در رادیو "صدای آمریکا" و "بی.بی.سی" می بینیم. این تغییر در دو جهت است: از یک طرف امپریالیست های اروپایی و ژاپنی و همچنین پاکستان و ترکیه، که همگی متحدان بی چون و چرای آمریکا هستند، وانمود می کنند که می خواهند مناسبات خود را با جمهوری اسلامی تقویت کنند و احتیاجات جمهوری اسلامی را برآورده سازند. از طرف دیگر همان ها با تمام قوا به عراق کمک و از آن حمایت می کنند. همه این ها دودوزه بازی می کنند. ترکیه و پاکستان را نگاه کنید: از یک طرف به تهران مراجعه می کنند و در پشتیبانی از جمهوری اسلامی داد سخن می دهند، از طرف دیگر به عراق می روند و پشتیبانی خود را نسبت به رژیم صدام و دارودسته اش اعلام می کنند. آمریکا هم اخیرا عین همین سیاست را در پیش گرفته، ژاپن هم همین طور. یک وزیر می فرستد به تهران و یکی به بغداد! در تهران کوشش می کند قراردادهایی امضا کند و در بغداد هم همین طور! همه آن ها کوشش می کنند که دو طرف را بیشتر تحریک کنند، تا این جنگ طولانی تر شود. ما این واقعیت را کاملا مشاهده می کنیم و فکر می کنیم که در پشت این واقعیت، سیاست بسیار مکارانه و مودیان و توطئه شیطانی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در منطقه نهفته است. از طرفی ما دیدیم که نماینده روزنامه **وال استریت ژورنال**، یعنی روزنامه وابسته به سرمایه داری بزرگ انحصاری آمریکا، روزنامه ای که مستقیما وابسته به راکفلر است، می آید به تهران و مفسری می شود، که روزنامه های ایران هم تفسیرهایش را در جهت "پشتیبانی از ایران!" منتشر می کنند. ولی از طرف دیگر، سئوالی که این آقا از رییس جمهور می کند، این است که **چرا حزب توده ایران را تعطیل نمی کنید؟! ببینید در چه جهت مودیان ای عمل می کنند: از یک طرف تقاضای از بین بردن حزب توده ایران و از طرف دیگر تظاهر به تقویت جمهوری اسلامی**

ایران و تمجید از پیشرفت های جمهوری اسلامی ایران! هر دو هم از جانب یکی از شناخته ترین ماموران شیطان بزرگ - بزرگ ترین دشمن انقلاب ایران! سایر نمایندگان خبرگزاری ها و مطبوعات امپریالیستی هم - مانند رویتر - عینا همین کار را، در همین مصاحبه های اخیر خود، انجام دادند.

همه این عوامل نشان می دهد که توطئه ای از دو سو تدارک می شود: از یک سو نشان دادن روی خوش و اعلام آمادگی برای برقراری مناسبات عادی و مناسبات "دوستانه" تا حد تظاهر به پشتیبانی از ایران، و از سوی دیگر تدارک یک حمله بسیار خطرناک علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. همه این ها به ما حکم می کند که: دقت فوق العاده زیاد برای دیدن توطئه آمریکا ضرورت دارد.

ما این خطر را می بینیم که بعضی از دولتمردان ایران، در برخورد با مسایل روز، این مسایل عمیقا استراتژیک جهانی را، از دید خود کنار گذارند و در دامی بیفتند که امپریالیسم بسیار ماهرانه می گسترده.

این را تاریخ روشن خواهد کرد.